



هنوز فضایی برای ابراز اعتراض معترضان به روندهای اجرایی کشور وجود ندارد!



در هر سه مقطع دولت‌ها تحت عنوان اصلاحات اقتصادی فقط دست به آزادسازی قیمت‌ها زدند که هر سه تجربه با شکست مواجه شد و هزینه‌اش را مردم دادند و بار فشارش را هم مردم تحمل کردند. واقعیت این است که مشکلات اقتصادی ایران لزوماً ریشه اقتصادی ندارند و دولت باید نگاهش به عرصه بین‌المللی را تغییر دهد. ما در ابتدا باید اول به سمت اصلاحات غیراقتصادی حرکت کنیم تا در ادامه نتایجش در اقتصاد هم مشاهده شود تا مردم بیش از این تحت فشار قرار نگیرند.

او ضمن انتقاد به عملکرد اقتصادی مجلس مطرح کرد: «اینکه مجلس می‌گوید اگر دولت به طرحی نرسد، خودمان طرح می‌دهیم با یک نکته مهم مواجهه است؛ اینکه اگر دولت طرحی نداشته باشد، مجلس قرار است طرح خود را تبدیل به قانون کند یا خیر؟ اما موضوع این است که مجلسی‌ها فرار رو به جلو می‌کنند و به نوعی می‌خواهند چنین القاء کنند که خودشان هیچ کاره بوده‌اند؛ در صورتی که همین نمایندگان بارها و بارها دولت را تأیید کرده‌اند و به همین وزیاری که حالا محل نقد قرار گرفته‌اند و حتی وزیاری که خود دولت چندی بعد از شروع به کارشان کنار گذاشت، از سوی همین مجلس رأی اعتماد گرفته بودند. همین مجلسی‌ها که اکنون در مقام انتقاد برآمده‌اند هم در کنار دولت مسئول نابسامانی موجودند.»

مجلس آتش‌بار معرکه است



کامران ندری، اقتصاددان و استاد دانشگاه، درباره میزان سهم دولت در نابسامانی بازار، به «هم‌میهن» گفت: «به دولت در زوایایی می‌شود انتقاد کرد و حتی دولت برنامه‌های اقتصادی بهتر از دولت‌های قبل ندارد اما واقعیت این است که دست دولت هم خیلی باز نیست. من متوجه نمی‌شوم که چرا باید این نوساناتی که در چند هفته قبل داشتیم را منتسب به دولت کنیم زیرا بیشتر نوسانات اخیر ریشه در تحولات یا به تعبیر بهتر مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است و در بازار ارز نگرانی‌هایی را ایجاد کرد و منجر به افزایش نرخ آن شد. بنابراین مشکل اصلی در این حوزه به سیاست‌های خارجی و روابط کشور با دنیا و نقشی که ما در این بین بازی می‌کنیم، برمی‌گردد. البته می‌شود به بانک مرکزی انتقادهایی را مطرح کرد؛ از جمله اینکه چرا از ابزار بهره‌های بانکی بهتر استفاده نمی‌شود اما اینکه بگوییم نرخ ارز یکسره متأثر از عملکرد دولت است، حرف دقیقی نیست.»

او درباره اینکه دولت در مقطع کنونی چه کاری برای کنترل نرخ ارز از دستش برمی‌آید، گفت: «به‌طور کلی دولت در حوزه اقتصادی از ابتدا ضعیف بوده و حالا هم ضعیف است و تیم اقتصادی دولت تیم قدرتمندی نیست؛ چه مدیران بانک مرکزی و چه مدیران وزارت اقتصاد، اما به هر حال دولت اکنون که می‌گوید فروش نفت خوبی داریم، یعنی ارز هم در اختیار دارد و می‌تواند مدیریت کند اما در حوزه عرضه ارز با احتیاط رفتار می‌کند و در عرصه تقاضا هم قادر به مدیریت نیست.»

این استاد دانشگاه در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه این سخن از سوی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی که نرخ ارز آزاد را قبول ندارد، چقدر علمی است؟ بیان کرد: «من واقعاً نمی‌فهمم این چه حرفی است که دو مسئول عالی‌رتبه اقتصادی کشور یعنی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی می‌زنند. واقعاً قابل فهم نیست زیرا هیچ مبنای علمی و تخصصی ندارد. در بسیاری از اقلام ارز آزاد برای واردات استفاده می‌شود؛ یعنی خود دولت بهتر از هر کسی می‌داند کشور فقط محدود به همان اقلامی نیست که ارز دولتی دریافت می‌کند و بسیاری از کالاها با ارز غیررسمی خریداری می‌شوند حتی بعضی از اقلام اساسی. حتی می‌شود گفت ۸۰ درصد از واردات ما با ارز آزاد است و من می‌گویم این حرف اگر نگوییم بچه‌گانه است اما حتماً غیرعلمی است.»

افقه درباره جراحی اقتصادی دولت و حذف ارز دولتی از بسیاری از کالاها و آثار این اقدام بر معیشت مردم گفت: «دولت تحت تأثیر یکسری پیشنهادها و مشورت‌ها سومین جراحی اقتصادی را در تاریخ پس از انقلاب انجام داد. دو جراحی دیگر یکی در دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی بود و دیگری در دوره آقای احمدی‌نژاد و سوسوی هم که در همین دولت کنونی.

علمی‌ای برای کنترل بازار ارز دست یابند که خروجی آن ثبات در بازار مالی و حتی سرمایه‌های باشد. یحیی آل اسحاق، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق نیز در واکنش به کاهش شدن قیمت ارز از کاهش قیمت دلار خبر داده است و اعلام کرده «احتمال دارد دلار به دامنه ۵۰ هزار تومان برگردد.»

قبول نداشتن نرخ ارز بازار حرفی غیرعلمی است



مرتضی افقه، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در پاسخ به این پرسش که دولت چنانچه می‌تواند از پس مدیریت نرخ ارز برآید؟ به «هم‌میهن» گفت: «همیشه گفته‌ام و باز هم می‌گویم که نرخ ارز در ایران بیش از اینکه متأثر از سیاست‌های داخلی و بانکی باشد، متأثر از عوامل بیرونی است و کنترل چندانی بر آن وجود ندارد. این موضوع منافاتی با این واقعیت ندارد که در حوزه کنترل نرخ ارز هم کوتاهی‌های زیادی از سوی دولت شده است. به هر حال مادامی که عوامل خارجی مانند جنگ غزه یا تنش با اسرائیل وجود داشته باشد، نرخ ارز می‌تواند افزایش یابد. رئیس بانک مرکزی خوشحال بود که مدتی نرخ ارز ثابت مانده است اما همه اقتصاددان‌ها می‌دانستند که این ثبات موقت است و با اولین تنش خارجی بالا می‌رود. در داخل هم که سیاست‌گذاری دولت اقتصادی نیست و بیشتر در پی مسائل حاشیه‌ای است. در مجموع من تصور نمی‌کنم بانک مرکزی و حتی همین مجلس که حالا منتقد شده است، بتوانند کاری بیش از آنچه تاکنون دیده‌ام انجام دهند و مانند سابق نرخ ارز در ایران متأثر از عوامل خارجی خواهد بود و هر چه به انتخابات آمریکا نزدیک می‌شویم هم محور نرخ ارز سعودی می‌شود.»

او درباره اینکه دولت در مقطع کنونی چه کاری برای کنترل نرخ ارز از دستش برمی‌آید، گفت: «به‌طور کلی دولت در حوزه اقتصادی از ابتدا ضعیف بوده و حالا هم ضعیف است و تیم اقتصادی دولت تیم قدرتمندی نیست؛ چه مدیران بانک مرکزی و چه مدیران وزارت اقتصاد، اما به هر حال دولت اکنون که می‌گوید فروش نفت خوبی داریم، یعنی ارز هم در اختیار دارد و می‌تواند مدیریت کند اما در حوزه عرضه ارز با احتیاط رفتار می‌کند و در عرصه تقاضا هم قادر به مدیریت نیست.»

این استاد دانشگاه در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه این سخن از سوی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی که نرخ ارز آزاد را قبول ندارد، چقدر علمی است؟ بیان کرد: «من واقعاً نمی‌فهمم این چه حرفی است که دو مسئول عالی‌رتبه اقتصادی کشور یعنی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی می‌زنند. واقعاً قابل فهم نیست زیرا هیچ مبنای علمی و تخصصی ندارد. در بسیاری از اقلام ارز آزاد برای واردات استفاده می‌شود؛ یعنی خود دولت بهتر از هر کسی می‌داند کشور فقط محدود به همان اقلامی نیست که ارز دولتی دریافت می‌کند و بسیاری از کالاها با ارز غیررسمی خریداری می‌شوند حتی بعضی از اقلام اساسی. حتی می‌شود گفت ۸۰ درصد از واردات ما با ارز آزاد است و من می‌گویم این حرف اگر نگوییم بچه‌گانه است اما حتماً غیرعلمی است.»

افقه درباره جراحی اقتصادی دولت و حذف ارز دولتی از بسیاری از کالاها و آثار این اقدام بر معیشت مردم گفت: «دولت تحت تأثیر یکسری پیشنهادها و مشورت‌ها سومین جراحی اقتصادی را در تاریخ پس از انقلاب انجام داد. دو جراحی دیگر یکی در دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی بود و دیگری در دوره آقای احمدی‌نژاد و سوسوی هم که در همین دولت کنونی.

لایحه رواندا و دکترین حاشیه صلاحدید

آیا دیوان اروپایی حقوق بشر مانع از اجرای سیاست‌های مهاجرتی بریتانیا خواهد شد؟



آرش ملکی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی

سرانجام روز ۲۳ آوریل، پارلمان بریتانیا پس از بحث‌های طولانی لایحه امنیت رواندا (Rwanda Safety Bill). مشهور به لایحه رواندا. را به تصویب رساند. این لایحه که پس از صدور مجوز سلطنتی به قانون تبدیل می‌شود، به دولت بریتانیا پیشنهاد می‌کند تا برای پناهندگان از اعطا می‌کند. هدف از تصویب این لایحه، مقابله با ورود غیرقانونی اتباع غیر، به سرزمین بریتانیا با استفاده از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در معاهده همکاری بریتانیا و رواندا در موضوع پناهندگان (UK-Rwanda Partnership Treaty) است که در سال ۲۰۲۳ میان دولتین منعقد شده است. مطابق بند ۳ ماده ۱۴ این معاهده، مهاجران غیرقانونی و پناهندگانی که دولت بریتانیا ادعای ایشان را نمی‌پذیرد باید به سرزمین رواندا منتقل شوند. گفته می‌شود لایحه رواندا در کنار قانون مهاجرت غیرقانونی (Illegal Migration Act) و قانون تابعیت و مرزها (Nationality and Borders Act) است که به ترتیب در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به تصویب رسیده‌اند. سومین قانونی است که در راستای پیشبرد سیاست‌های مهاجرتی دولت فعلی بریتانیا وضع می‌شود.

دیوان اروپایی حقوق بشر (European Court of Human Rights) یک دادگاه منطقه‌ای است که از صلاحیت رسیدگی به ادعای نقض تعهدات حقوق بشری. ذیل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی - بر خوردار است و به دادخواهی اشخاص - به‌طور فردی یا گروهی - و سازمان‌های غیردولتی علیه دولت‌ها و دولت‌ها علیه یکدیگر رسیدگی می‌کند. شایان ذکر است که دادخواهی نزد دیوان واجد جنبه تکمیلی است و خواهان باید پیش از رجوع به آن کلیه مراحل دادرسی در محاکم دولت میزبان را طی نموده و به نتیجه مطلوب نرسد. گفته می‌شود که این دیوان از زمان تأسیس در ۱۹۵۹ تاکنون به‌طور بیش از ۲۴۰۰۰ رأی مبادرت ورزیده. بررسی رویه دیوان نشان می‌دهد که این نهاد در برخی موارد دست دولت‌ها را در اجرای تعهدات حقوق بشری باز گذاشته و برای ایشان آزادی عمل قائل شده است. این رویکرد که در ادبیات حقوق بین‌الملل بشر به

دکترین حاشیه صلاحدید (Margin of Appreciation) مشهور است، به‌طور استثنایی به دولت اجازه می‌دهد تا هنگامی که حیات ملت او در معرض مخاطره قرار گرفته، براساس تشخیص خود به میزان که مصلحت می‌داند از اجرای تعهدات حقوق بشری خودداری کند.

در متن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اشاره صریحی به حقوق پناهندگان وجود ندارد. با این وصف، در مواد ۲- حق حیات و ۳- ممنوعیت شکنجه، رفتار و مجازات غیرانسانی و تحقیرکننده - از این کنوانسیون موازینی در ج شده که به وضعیت چنین اشخاصی قابل تسری است. در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز نمونه‌هایی از وضعیت‌های مشابه وجود دارد. به‌عنوان مثال، دیوان در دو پرونده گابرامدین علیه فرانسه (Gebremedhin v. France) و هیرسی جاما و دیگران علیه ایتالیا (Hirsi Jamaa and Others v. Italy) ادعان داشت اشخاصی که در آستانه ورود به سرزمین یک دولت عضو قرار داشته و خطر بالقوه نقض مواد ۲ و ۳ آنها را تهدید می‌کند نباید بازگردانده شوند. در موضوع حاضر، بستر قانونی لازم برای انتقال قهری پناهندگان از بریتانیا به رواندا فراهم است. در صورتی که احدی - یا گروهی - از پناهندگان منتخبتوانند نقض مواد فوق‌الذکر را در نتیجه این انتقال اثبات نمایند امکان نقض این قانون وجود دارد. در عین حال، بریتانیایی‌ها می‌توانند با اثبات وجود آثار منفی حضور پناهندگان در سرزمین بریتانیا در چارچوب دکترین حاشیه تفسیر اقدام خود را مشروع جلوه دهد. در هر صورت، اظهار نظر دقیق در این مورد مستلزم دادخواهی واقعی است که با توجه به فضا سازی رسانه‌ای پیرامون این لایحه و شمار اشخاصی که به واسطه آن در نوبت انتقال قرار می‌گیرند در آینده‌ای نه‌چندان نزدیک حتمی به نظر می‌رسد. اقدامی که در فرض پذیرش، دیوان را آماج انتقاد قرار داده و در فرض عدم پذیرش به طرح ایده بازنگری در تعهدات حقوق بشری در بریتانیا منجر می‌شود. بدیهی است که مهاجرت در چارچوب سازگار قانونی امری پسندیده است و هیچ دولتی مهاجرت غیرقانونی را مطلوب نمی‌داند و با محافظت از مرزها راه را بر عبور غیرقانونی از آنها می‌بندد. در وضعیت حاضر، مرز دریایی بریتانیا و پناهندگانی که با قایق به این مرزها نزدیک می‌شوند هیئت حاکمه رادر پرتوناز ضایعی عمومی از حضور این پناهندگان در وضعیتی دشوار قرار داده است. آیا بریتانیا خواهد توانست - در دادخواهی احتمالی - با استناد به دکترین حاشیه صلاحدید بر اعتبار لایحه رواندا صحه بگذارد؟ پاسخ این سوال در آینده مشخص خواهد شد.

ممنوعیت فروش سلاح به ایران را لغو کرد. در نهایت اس - ۳۰۰ در سال ۱۳۹۵ به ایران رسید.

قرارداد خرید هواگردهای پیشرفته

۷ آذر ۱۴۰۲ خبرگزاری تسنیم در خبری اختصاصی، به نقل از سیدمهدی فرحی، جانشین وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از قطعی شدن ورود بالگرد هجومی میل ۲۸ (معروف به شکارچی شب)، جنگنده سوخو ۳۵ (جنگنده نسل ۴) و هواپیمای آموزشی یاک ۱۳۰ به سازمان رزم نیروهای مسلح خبر داد. این خبر کمتر از دو ماه پس از پایان تحریم‌های تسلیحاتی ایران اعلام شد. تسلیحات مورد اشاره جانشین وزیر دفاع در کلاس خود، جزء تسلیحات پیشرفته محسوب شده و اضافه شدن آن‌ها به نیروهای مسلح کشور مان تأثیر زیادی در افزایش توان نظامی دارد.

اول اردیبهشت ۱۴۰۳ خبرگزاری دانشجو - وابسته به سیسج دانشجویی - خبر از ورود قریب‌الوقوع جنگنده‌های سوخو ۳۵ به ایران داد. دانشجو در آن خبر از ورود این محموله طی یک هفته آینده خبر داده بود، بنابراین در هفته جاری باید سوخوها وارد ایران شوند. این خبرگزاری به نقل از روزنامه کویتی‌الجریده نوشت: «با وجود اینکه ایران جنگنده‌های روسی (سوخو ۳۵) را دریافت کرده، اما هنوز قطعات ضروری برای راه‌اندازی آن‌ها را دریافت نکرده است. روسیه به دلیل مخالفت اسرائیل و کشورهای جنوب خلیج فارس، تاکنون از ارائه این قطعات مهم (سوخو ۳۵) به ایران خودداری کرده بود. این وضعیت باعث شده ایران نتواند از این جنگنده‌ها تنها برای اهداف آموزشی و ماموریت‌های کوتاه‌برد استفاده کند. رئیس جمهور روسیه هم آمادگی کشورش را برای تحویل این قطعات اعلام کرد.»

نگرانی‌ها چیست؟

تحلیلگران و ناظران از روزآمد شدن تجهیزات دفاعی و تسلیحاتی نیروهای مسلح استقبال می‌کنند. چراکه تقویت بنیه دفاعی کشور یکی از مسائل استراتژیک و ملی بوده و فراتر از جناح‌بندی و مسائل سیاسی تفسیر می‌شود. اگر چنین مسئله‌ای خالی از اهمیت بود، در جریان مذاکرات ایران و ۵+۱ مورد توجه قرار نمی‌گرفت. نگرانی‌ها حول محور درگیر شدن ایران در مسئله جنگ اوکراین است چراکه این جنگ نه از لحاظ جغرافیایی و نه از لحاظ سیاسی، ارتباطی با منافع ایران پیدا نمی‌کند. در فتره جنگ سوریه، تهدید تروریسم بین‌المللی و حفاظت از دولت دمشق به عنوان متحد جبهه مقاومت مطرح بود اما اوکراین چنین شرایطی برای ایران ندارد. نگرانی‌هایی درباره افزایش فشار بر ایران به‌بانه دخالت در جنگ اوکراین وجود دارد. تا زمان تنظیم این گزارش مقامات دفاعی و سیاسی کشورمان اظهارنظری درباره نوع همکاری‌های پیش رو میان تهران و مسکو نکرده‌اند.

شرقی و غربی را استفاده می‌کند. برای مثال ستون فقرات نیروی هوایی ایران را جنگنده‌های آمریکایی سری F۳۵ تشکیل می‌دهند که مربوط به پیش از انقلاب هستند. نیروی هوایی ایران در ۴۵ سال گذشته مجموعه‌های مرکب از جنگنده‌های شوروی، فرانسه و آمریکا را در اختیار داشته است. اما سهم تسلیحات غربی در ساختار نظامی کشورمان به نسبت تسلیحات بومی شده به‌وسیله مهندسی معکوس و تسلیحات شرقی، کم‌تر است. توان موشکی ایران بر پایه موشک‌های دریافتی از کره شمالی و اتحاد جماهیر شوروی بنا شده و پیشرفت کرده است. از سوی دیگر، برخی تسلیحات سبک مثل سلاح‌های مورد استفاده پلیس و ارتش، از آلمان وارد و سپس با استفاده از ظرفیت‌های داخلی تولید شده که بخشی از آن مثل سلاح‌های ۳ و ۵ میلی‌متر به پیش از انقلاب است؛ در حالی که خاستگاه سلاح کلاشینکف به‌عنوان سلاح نه‌چشمی مورد استفاده در بخش‌های عظیمی از نیروهای مسلح، شوروی است.

با توجه به روابط ایران و غرب پس از انقلاب و تحریم‌هایی که علیه کشورمان اعمال شد، ایران همواره به خرید تسلیحات و استفاده از تجربیات فنی روسیه علاقمند بوده است. البته باید این نکته را مدنظر قرار داد که روسیه پس از ایالات متحده دومین تأمین‌کننده بزرگ تسلیحات در جهان است؛ بنابراین ارتباط نظامی ما با این کشور مسئله عجیبی نیست.

خرید سامانه اس - ۳۰۰

بحث خرید سلاح از روسیه، چند سال قبل و با مسئله خریداری سیستم پدافند هوایی اس - ۳۰۰ مورد توجه قرار گرفت. ایران و روسیه در سال ۲۰۰۷ قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری خرید ۵ سامانه آتش‌بار اس - ۳۰۰ را امضا کردند اما این سامانه‌ها ۹ سال بعد و در سال ۱۳۹۵ به ایران رسیدند. این قرارداد در حالی به امضا رسید که مناقشه بر سر پرونده هسته‌ای ایران بالا گرفته بود و تحلیلگران اعتقاد داشتند که ایران برای دفاع از تأسیسات هسته‌ای خود به این سامانه نیاز دارد. البته ایران پیش از امضای این قرارداد سامانه‌های دفاع هوایی دیگری مثل سامانه تور را از روسیه دریافت کرده بود. اما آتش‌بار اس - ۳۰۰ به‌خاطر توانایی رهگیری و انهدام موشک‌های بالستیک، نیاز مهمی از نیازهای پدافندی ایران را تأمین می‌کرد که ۹ سال تأخیر در تحویل آن اتفاق افتاد. هرچند که دلایل مختلفی برای توجیه این تأخیر از جمله مسائل فنی مطرح شد اما در نهایت دیدمتری مدوف، رئیس جمهور وقت روسیه در سال ۱۳۸۹ با صدور دستوری اعلام کرد که فروش مجموعه وسیعی از ادوات جنگی، از جمله انواع موشک‌ها به ایران ممنوع شد؛ به دلیل قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد. ایران نیز شکایتی ۴ میلیارد دلاری علیه روسیه مطرح کرد. پس از اعلام تقاضم لوزان در ۱۴ فروردین ۱۳۹۴ توسط محمدجواد ظریف و فردیکا موگرینی در سوئیس، ۱۰ روز بعد در ۲۴ فروردین ولادیمیر پوتین دستور پیشین مبنی بر